

به نام خداوند جهانیان

با نثار درود به پیشگاه پدران و مادرانی که با توجه به تمامی گرفتاری های عدیده این قلاع تو در توی زندگی در عین حال دلبندان خویش را در اولویت امور خود قرار داده و لحظه ای از حال آنان غافل نیستند. به رسم ادای دینی که بر دوش خود احساس نموده لازم دانسته شمه ای از مسایل دلبندان مان از پیش دبستانی "KG" تا متوسطه را یاد آوری نموده تا بتوان هماهنگی بیشتری را بین اولیاء و مربیان در جهت ارتقاء سطح تعلیم و تربیت عزیزانمان به عمل آورد. در ابتدا عرایضم را با حدیث نورانی پیامبر عظیم الشان مزین نموده ، حدیثی که تمامی نظرات رشد شخصیت ارانه گردیده از جانب عالمان روان شناس منجمله پیاز و اریکسون بر آن بنا نهاده شده است :

" الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین "

" فرزند آدمی در هفت سال اول زندگی آقا و سید است و در هفت سال دوم فرمان بردار و عبد است و در هفت سال سوم وزیر خانواده و مشاور پدر و مادر می باشد ."

یک تذکر بسیار مهم :

قبل از هر چیز به خاطر بسپارید که تغییر رفتار تدریجیست و تغییرات رفتاری همانند تغییرات فیزیکی نیست که بر فرض مثال با یک آمپول آنتی بیوتیک یک میلیون و دویست ظرف مدت چند ساعت بتوان وضعیت عفونی بدن را بهبود بخشید پس لطفاً پس از ارانه ی راهکارها صبر و حوصله را پیشه نموده و اگر پس از مدت زمانی فرزندان کوچکترین تغییری نمود آن را موفقیت بزرگی بدانید.

بسیار خوب، بهتر است در ابتدا به مسایل مربوط به نوردیدگان مان در بخش پیش دبستانی پرداخته و مراتبی را یاد آوری نمایم چنان که از حدیث فوق بر می آید باید به یاد داشته باشیم که در این سنین فرزند ما یک کودک است و باید کودکی نماید و آمرانه با وی ارتباط بر قرار نمودن در دراز مدت باعث تخریب روح و روان وی خواهد شد . در این حال و مود بگذارید بچگی کند و آقای خود باشد چه بسا در مواقعی کارهایی مخاطره آمیز را انجام دهد در آن مواقع نیز ضمن حفظ خونسردی خود بجای هول شدن و اعلام خطر ناگهانی به وی ، با مراتبی جایگزین مسیر افکارش را تغییر دهید ، برای مثال کودکی که در لبه پرتگاه هست را نباید با شتاب زدگی و دلهره و فریاد بخواهید او را از وضعیت مخاطره آمیزش نجات داد چه بسا همان داد و فریاد ما او را همانند فتری جاکن نموده و با وخامت بیشتری سقوط نماید. در این رابطه ماجرابی به خاطر آمد بد نیست بشنوید پدری که فرزند خرد سالش راه تنفسش را بر اثر بلعیدن شی ای گرفته بود بر دستان گرفته و استمداد جویان وارد بیمارستانی می گردد پزشکان پس از معاینه متوجه می گردند که کودک از بین رفته است پس از معاینه پزشکی قانونی مشخص می شود که ان بیچاره بر اثر خفگی نمرده بلکه بر اثر پس گردنی هایی که از پدر مضطرب و شتاب زده ی خود خورده دچار آسیب مغزی گردیده و از بین رفته است . بعضی اوقات دوستی های خاله خرسه گونه بعضی از اولیاء نه تنها مشکلی را از مشکلات فرزندانمان را حل نمی کند بلکه مشکلات آنان را دو چندان می نماید. در زیر بعضی از مشکلات شایع کودکان تا مرحله " KG " (KINDERGARTEN) را بررسی و راهکارهای مربوطه را خدمتتان یاد آوری می نمایم :

الف - دروغگویی:

دروغگویی یکی از رفتارهای شایع کودکان است که اغلب والدین را خیلی ناراحت می کند.

دروغگویی کودکان معمولاً سه دلیل عمده دارد:

۱- کودک واقعیت و خیال را در هم می آمیزد و گاه تصورات خود را کاملاً واقعی می پندارد. معمولاً تا ۶ یا ۷ سالگی، توانایی کودک برای افتراق وقایع واقعی از خیالی، کامل نشده است.

۲- کودک به نوعی تفکر آرزومندانه پسرقت کرده است و بدین طریق با یک واقعیت غیرقابل تحمل انطباق می یابد. مثلاً کودکی که پدرش وی را ترک کرده است ممکن است داستان هایی در باره این که پدرش شماره تلفن وی را نمی داند بسازد. گاهی کودک با چنان شدتی خواستار این آرزوها است که خود نیز باور می کند آن چیز را به دست

خواهد آورد. مثلاً «من دوست دارم یک دوچرخه داشته باشم» ممکن است است به «من برای تولدم یک دوچرخه هدیه می‌گیرم» تبدیل شود.

۳- کودک به منظور فرار از تنبیه یا انتقاد دروغ می‌گوید. وی ممکن است بداند آنچه که می‌گوید حقیقت ندارد ولی بتدریج خودش هم بخش‌هایی از آن را باور می‌کند گاهی اوقات کودکان با هوش‌تر بیشتر به دروغ‌گویی پناه می‌برند تا تایید والدین را از دست ندهند و از عواقب کار خود فرار کنند.

توصیه‌های زیر در برخورد با دروغ‌گویی می‌توانند کمک کننده باشند :

- در مواجهه با کودکی که دروغ گفته است آرامش خود را حفظ کنید و سعی کنید آرام بمانید.
- به کودک لقب دروغگو ندهید. کار او را از شخصیت وی افتراق دهید.
- سعی کنید نوع دروغ کودک را تعیین کنید و بسته به آن واکنش مناسب نشان دهید.
- اگر کودک دروغی منبعث از خیالات خود می‌گوید به او کمک کنید تفاوت بین واقعیت و خیال را دریابد. با وی طوری رفتار نکنید که احساس کند کار اشتباهی کرده است.
- اگر کودک با موقعیتی دشوار روبرو است و آرزوهایش را به عنوان واقعیت بیان می‌کند وی را تشویق کنید که به جای این کار به بیان احساساتش بپردازد و از دیگران برای حل مشکلات کمک بخواهد.
- اگر کودک برای فرار از پیامد کار اشتباهش دروغ بگوید بهتر است به جای واکنش شدید نسبت به دروغ گفتن، در باره کار اشتباه او و علت بد بودن کارش با وی صحبت کنید.
- زمانی که می‌دانید کودک کار بدی کرده است خود را درگیر بحث با وی برای اعتراف گرفتن نکنید. مثلاً اگر کودک یک تولدی را که پخته اید بی اجازه خورده است و آثار شکلات روی کیک را در اطراف دهانش می‌بینید به جای اینکه بپرسید «آیا تو کیک را خورده ای؟» و او به دروغ «نه» بگوید، وی را جلوی آینه ببرید و بگویید «کیک خورده شده و به صورت تو شکلات آن چسبیده است. من از تو خواسته بودم به کیک بدون اجازه دست نزنم». در این صورت موضوع صحبت به جای دروغ‌گویی کودک به پیروی از قوانین باز می‌گردد. به خاطر داشته باشید کودک را هم با گفتار و هم رفتارشان به راست گویی تشویق کنید. شما بهترین الگوی فرزندان هستید.

ب - استفاده از کلمات نامناسب و زشت، جواب پس دادن:

- تقریباً تمام کودکان در سنین پیش دبستانی گاه از کلمات نامناسب استفاده می‌کنند. گاهی آنان کلماتی زشت به زبان می‌آورند که باعث شرمندگی والدین می‌شود.
- دلیل روشن به کارگیری این کلمات، شنیدن آنها در منزل یا مهدکودک یا محیط‌های دیگر است. زمانی که کودک از این عبارات استفاده می‌کند معمولاً با توجه شدید و واکنش بیش از حد والدین روبرو می‌شود که باعث تکرار بیشتر این کلمات خواهد شد.

راهکارهای زیر می‌توانند در برخورد با این رفتار کودک کمک کننده باشند:

- اگر کودک برای اولین بار از این کلمات استفاده می‌کند بهتر است معنای آن را از کودک بپرسید. اگر وی بتواند معنی کلمه را بگوید برایش توضیح دهید که این کلمه دیگران را ناراحت می‌کند و نباید در خانه استفاده شود.
- در صورت تکرار، در مراحل اول آرام ماندن و نادیده گرفتن این عبارات و دور نگه داشتن کودک از محیط‌هایی که در آنها چنین کلماتی استفاده می‌شود بهترین روش برخورد است.

- اگر با وجود نادیده گرفتن ، این رفتار ادامه یابد با آن مشابه دیگر کارهای نامطلوب کودک برخورد کنید و از شیوه‌های تنبیهی مناسب مانند منزوی سازی یا محروم کردن موقتی بهره گیرید.

- به کودک کلماتی پیام‌زید که بتواند احساس ناکامی و ناراحتی خود را به صورت مودبانه ابراز کند.

- برخورد مودبانه و به کارگیری مناسب کلمات را توسط کودک تشویق نمایید.

جواب پس دادن اغلب شیوه‌ای برای نشان دادن نافرمانی و لجبازی کودک و نشانه‌ای از تکامل کودک برای به دست آوردن استقلال است. تنش های زندگی روز مره مانند به دنیا آمدن کودک دیگر یا تغییر منزل ممکن است این رفتارها را تشدید کند. **در مواجهه با این مشکل توصیه‌های زیر را به کار گیرید:**

- به خاطر داشته باشید کودکان پیش دبستانی نیاز به ابراز وجود و احساسات خود دارند. بنابراین اجازه ابراز نظر به صورت مودبانه را به آنان بدهید.

- سعی کنید انتظارات خود را با توانایی کودک تطبیق دهید.

- در صورت نافرمانی و بی ادبی کودک در پاسخ دادن، از روشهای تنبیهی مناسب استفاده کنید.

- رفتارهای مناسب وی را تشویق کنید.

ج - دزدی:

تا سن سه سالگی بیشتر کودکان معنای دزدی را درک نمی‌کنند و حداقل یک سال دیگر طول می‌کشد تا آنها مفهوم مال من و مال تو را دریابند. **اگر کودک وسایل دیگران را بدون اجازه بر می‌دارد راهکارهای زیر را به کار برید:**

- آرامش خود را حفظ کنید و واکنش بیش از حد نشان ندهید.

- برای وی توضیح دهید که چیزهایی که متعلق به دیگران است نباید برای خود بردارد.

- به کودک بگویید صاحب آن شینی برای از دست دادن آن، غمگین و ناراحت می‌شود.

- مطمئن شوید که وی شینی موردنظر را به صاحبش برگردانده و عذرخواهی کند.

- به خاطر داشته باشید با این که کودک ممکن است بداند دزدی کار بدی است چون دیگران به وی چنین گفته‌اند تا سن ۷ - ۶ سالگی ممکن است بدرستی علت بد بودن / ین کار را درک نکرده و در باره آن احساس گناه نکند.

- در صورتی که این مشکل به صورت مکرر و مزمن رخ دهد حتماً با یک مشاور یا روانپزشک کودک مشورت کنید.

د - پرخاشگری و حملات بدخلقی (فشقرق):

پرخاشگری کودکان علل مختلفی دارد. کودکان کوچکتر ممکن است به علت این که نمی‌دانند احساسات ناخوشایند خود مانند خشم و ناکامی را چگونه با کلمات ابراز کنند به پرخاشگری روی آورند. صحبت با کودکان و کمک به آنان برای بیان احساسات شان بدون پرخاش گری در این موارد مفید است.

کودک ممکن است شاهد دعوا و پرخاش گری والدین یا دیگر اعضای خانواده باشد و از این رفتارها الگو برداری کند. بنابراین کنترل محیط منزل، عدم به کار گیری پرخاش گری در روابط بین فردی اعضای خانواده و همچنین نظارت بر برنامه‌های تلویزیونی که کودک مشاهده می‌کند می‌تواند این اثرات را تا حد ممکن کاهش دهد.

گاهی به مرور زمان کودک یاد می‌گیرد که با بد خلقی و پرخاش‌گری می‌تواند به آنچه می‌خواهد دست یابد. اگر والدین در برابر داد و فریاد یا پرخاش‌گری وی تسلیم شوند او در می‌یابد این رفتار راهی برای گرفتن آنچه می‌خواهد از بزرگسالان است. بعضی کودکان با فرد خاصی مانند مادر یا مادر بزرگ بیشتر این رفتارها را نشان می‌دهند تا با دیگر اعضای خانواده. این موضوع اهمیت برخورد یکسان و یکنواخت همه بزرگسالان در خانواده و اطراف کودک را نشان می‌دهد. اگر کودک در یابد که هر وقت و هر کجا پرخاش‌گری کند پیامد یکسانی متحمل می‌شود چنین رفتاری قطعاً کاهش می‌یابد.

بنابراین علیرغم علت پرخاش‌گری و بدخلقی کودک رعایت بعضی اصول می‌تواند موجب کاهش این رفتارها شود:

- در انتظارات خود از کودک و به کارگیری روش‌های تربیتی در زمانها، مکانها و توسط افراد مختلف مانند مادر، پدر، مادر بزرگ و... تا حد ممکن یکنواخت عمل کنید. قابل پیش‌بینی بودن پیامد یک رفتار به کودک احساس امنیت می‌دهد و وی را از سر درگمی می‌رهاند و مشکلات رفتاری وی را کاهش می‌دهد.
- قوانین را به صورت روشن به کودک بگویید. او باید بداند احساس خشم و ناکامی طبیعی است ولی مرزهایی برای شیوه ابراز آن وجود دارد مثلاً زدن دیگران ممنوع است.
- در صورت پرخاش‌گری کودک از روشهای تنبیهی مناسب مانند منزوی سازی استفاده کنید.
- بر اثر بدخلقی و قشقرق کودک تسلیم خواسته‌های غیرمنطقی او نشوید. این رفتار کودک را نادیده بگیرید. (در عین حال ایمنی کودک را در نظر داشته باشید. اگر وی به کار خطرناکی دست زد بلافاصله باید مداخله کنید).
- تلاش کودک برای ابراز مناسب احساسات ناخوشایند مثل خشم را تشویق کنید.
- موقعیت‌هایی که کودک بیشتر دچار بدخلقی و پرخاش‌گری می‌شود مانند زمانی که خسته، گرسنه یا خواب‌آلود است را شناسایی کرده، توجه به نیازهای جسمانی و روان‌شناختی کودک را در برنامه ریزی‌های روزانه خود در اولویت قرار دهید.

ه - رقابت بین خواهر و برادرها :

- رقابت و حسادت بین خواهر و برادرها از شایع‌ترین مشکلات والدین محسوب می‌شود. این موضوع پدیده‌ای عالم‌گیر است و پدر و مادر را بیش از هر کس دیگر دچار احساس ناکامی و نگرانی می‌کند.
- گرچه بسیاری از کتاب‌ها توصیه می‌کنند که خواهر و برادرها را به حال خود گذاشته، در دعوا و درگیری آنها دخالت نکنیم، بعضی از بزرگسالان خاطراتی از بد رفتاری خواهر یا برادر خود در دوران کودکی بدون دخالتی از سوی والدین به یاد دارند که بسیار برایشان رنج‌آور است. بنابراین این با وجود طبیعی بودن رقابت بین خواهر و برادرها نظارت والدین بر شیوه تعامل و ارتباط فرزندان با هم اهمیت بسزایی دارد.

توصیه‌های زیر در برخورد با رقابت و حسادت خواهر و برادرها کمک‌کننده هستند:

- اطمینان یابید که هیچ یک از فرزندان توسط خواهر یا برادر خود مورد سوء رفتار کلامی، جسمانی یا جنسی قرار نمی‌گیرد. قانونی در خانه برقرار کنید که خشونت از هر نوع نسبت به دیگران را ممنوع کند.
- از لقب دادن به کودکان پرهیز کنید. حتی لقب‌های خوب مانند هنرمند یا ورزشکار می‌تواند برانگیزاننده حسادت دیگر فرزندان شود و کودک را برای حفظ این لقب دچار اضطراب و ناکامی نماید.
- با کودکان طوری رفتار کنید که بفهمند هر یک دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که با دیگران متفاوت است. آنان را به صورتی غیر منصفانه با هم مقایسه نکنید.
- علاوه بر زمانی که با همه فرزندان می‌گذرانید با هر یک از آنان زمانی جداگانه هر چند اندک صرف کنید.

- بپذیرید که رقابت بین خواهر و برادرها طبیعی است. همه گاهی نسبت به خواهر یا برادر خود احساس خشم می‌نمایند در حالیکه بیشتر آنها در برابر افراد خارج از خانواده از یکدیگر حمایت می‌کنند.

- به خبرچینی کودکان پاداش ندهید و همیشه جانب یک فرزند را نگیرید.

در صورت دعوی خواهر و برادرها :

- حتی الامکان اجازه دهید خود آن را تمام کنند.

- اگر یکی یا هر دو بسیار عصبانی و ناراحت هستند دخالت کنید. آنها را از هم جدا کرده و کودکی را که آسیب دیده یا ناراحت است آرام کنید.

- طرف هیچ یک را نگیرید مگر آن که آنچه رخ داده دیده باشید.

- هر دو کودک را تشویق کنید تا در باره احساسات خود و آنچه رخ داده صحبت کنند و از آنها بخواهید فکر کنند چگونه می‌توانند اختلاف شان را بدون دعوا و درگیری حل کنند.

به علت ضیق وقت به همین نکات در بخش پیش دبستانی بسنده نموده و به مرحله دبستان سری می‌زنیم :

قبل از پرداختن به مسایل کودکان در این سنین ضرورت دارد به آن دسته از پدران و مادران بالادست مادرانی که با دخالت های بی حد و حساب خود در انجام تکالیف و امور شخصی کودکان آنان را منفعل و متکی به دیگران بار می‌آورند یادآوری نمایم که با این اعمال به ظاهر دوستانه ی خود زهر به کام دلبندها خود ریخته و در آینده به شکلی ناخواسته روزگار را به کامشان تلخ نموده و بر اثر عدم اعتماد به نفس با مواجهه شدن با کوچکترین مشکلاتی به زانو در خواهند آمد و متاسفانه اولیاءدر مقاطع بالاتر جهت حل مشکل دست به دامان دیگران شده و غافل از این که خود کرده را تدبیر نیست . حمایت ها و دل نگرانی های افراطی بعضی از والدین در این مقطع این شعر سعدی علیه الرحمه را در اذهان متبادر می سازد که می فرمایند :

"یکی بر سر شاخ بن می برید خداوند بستان نگه کرد و دید

بگفتا گر این مرد بد می کند نه بر من که بر نفس خود می کند"

بنا بر این بجای این که تکالیف و امور شخصی کودکان مان را انجام دهیم از طرق گوناگون راه های انجام آنان را نشان داده و مشوق آنان در به انجام دادن امورشان باشیم. زیرا اولیایی که چتر حمایتی افراطی خود را بر سر کودکان شان تبدیل به چتر هدایتی ننمایند به زودی در مقاطع بالاتر دچار درماندگی شده و در برابر پرخاش گری فرزندانیشان بر اثر عدم توانایی در استمرار کمک رسانی قرار خواهند گرفت . پس از طریق ارائه ی تقویت های مثبت و تکیه بر حسنات فرزندانمان به ایجاد و ارتقاء اعتماد به نفس آنان کمک نماییم.در این سنین همان گونه که در حدیث فوق نیز بدان اشاره شده است فرزندان نقش بندگان شما را داشته و یابیدونبایدهای زندگی را باید از شما و معلمان اجتماع بیاموزند.در زیر شمه ای از نحوه ی ارتباط والدین و کودکان در موارد مطروحه را یادآوری می نمایم :

مسئولیت و استقلال :

احساس مسئولیت يك غریزه نیست و کودک باید آن را بیاموزد و آموزش آن نیاز به تمرین روزانه برای تصمیم‌گیری درباره مسائل منطبق با سن و درک شخص دارد. مسئولیت را نمی‌توان تحمیل کرد. مسئولیت باید از درون رشد کند و با ارزش‌های کسب شده از خانه و اجتماع تغذیه و هدایت شود. مسئولیت‌هایی که بر پایه و اساس ارزش‌های مثبت پایه‌گذاری نشده باشند، می‌توانند ضدا اجتماعی و مخرب باشند.

منشأ مسئولیت: مسئولیت باید بر احترام به زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی استوار باشد. مسئله مسئول بودن کودکان به ارزش‌های والدین که در تربیت کودک آشکار می‌شود برمی‌گردد.

اهداف مطلوب و کارهای روزانه: هنر والدین و برخورد آنان است که حس مسئولیت را در کودکان شکل می‌دهد. هنر پدر و مادر اینست که به فرزند خود نشان دهند چگونه با احساساتش برخورد کند.

برنامه‌های بلند مدت و کوتاه مدت: تعلیم شخصیت بستگی به رابطه ما با فرزندان مان دارد و دیگر این که خصوصیات شخصیتی- اخلاقی را نمی‌توان با الفاظ تعلیم داد، بلکه باید عملاً نشان داد. برای برنامه درازمدت، قدم اول اینست که ما تصمیم بگیریم به آنچه که فرزندمان در درون خود فکر و احساس می‌کند علاقه‌مند شویم. کودکان خودشان به‌گونه‌ای این مسائل را به ما نشان می‌دهند. احساسات را می‌توان توسط الفاظ و نحوه ادای آنها، و از طریق اشارات کودک، شناخت.

اگر کودک با انتقاد زندگی کند، نمی‌تواند مسئول بودن را بیاموزد. او می‌آموزد که خود را محکوم کند و از دیگران اشکال بگیرد.

از جنگ تا صلح: والدینی که با فرزندان خود بر سر کارها و مسئولیت‌های روزمره جدال می‌کنند باید بدانند که در این جنگ نمی‌توانند پیروز شوند. فقط یک راه برای پیروزی وجود دارد و آن اینست که کودک را طرفدار خود کنیم.

مطالب زیر برای ایجاد تغییرات مطلوب مفید است:

۱- با توجه گوش دادن: کودکان از اینکه ببینند والدینشان نسبت به احساسات آنها بی‌علاقه‌اند دچار خشم و ناراحتی می‌شوند. والدینی که با توجه به حرف‌های فرزندشان گوش می‌کنند به او القا می‌کنند که با ارزش است و خود او مورد احترام است.

۲- جلوگیری از نفرت: والدین باید هوشیارانه از الفاظ یا نظریه‌هایی که ایجاد خشم و نفرت می‌کنند خودداری کنند: توهین، فحش، تهدید، پیشگویی، زورگویی، اتهام و ...

۳- بازگو کردن احساسات و افکار بدون حمله: در مواقع ناراحتی، بهترین کار برای والدین این است که احساسات و افکار را بازگو کنند. جو هم دردی و درک کودک باعث می‌شود او خود را به پدر و مادر نزدیک‌تر کند. مهم این است که بتوانیم. در مراحل مختلف رشد کودک، مسئولیت‌هایی را که کودک باید بیاموزد را مشخص کنیم. در ادامه به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

خوراک: باید عمداً کودکان را در وضعیت‌هایی قرار داد که بین چند چیز یکی را انتخاب کنند. به این‌گونه، به کودک القا می‌شود که برای مسائل مربوط به خودش تا حدی مسئولیت دارد. بهترین چیز برای کودک اینست که مادر نسبت به خوراک حساسیت نشان ندهد، خوراک‌های خوب و مقوی و خوشمزه در اختیار فرزندان قرار دهد که آنها هرچقدر می‌خواهند بخورند.

پوشاک: در مورد پوشاک محدوده مسئولیت را می‌توان به این‌گونه تعریف کرد، تصمیم‌گیری و انتخاب اولیه را ما انجام می‌دهیم و کودکان از میان آنها جنس مورد علاقه‌شان را انتخاب می‌کنند.

تکالیف مدرسه: برخورد والدین از ابتدا باید به گونه‌ای باشد که این مسئله صرفاً به کودک و معلمین او مربوط می‌شود. نباید تکالیف را افراطی نظارت کرد یا هر شب آنها را بررسی کرد و تکالیف برای کلاس‌های پایین‌تر زیاده از حد نباید مهم دانست. بزرگترین ارزش تکالیف در این است که کودک عادت می‌کند به تنهایی کاری را انجام دهد. کمک ما باید کم و همراه با حس همدردی باشد. والدین می‌باید معلمین را تایید کرده و احترام او را بالا ببرند. برای رشد صحیح، کودک شما می‌باید احساس فردیت و جدا بودن از پدر و مادر داشته باشد.

کلاس موسیقی و دیگر هنرها: دلیل اصلی تعلیم هر هنری برای ابراز احساسات کودک می‌باشد. والدین می‌باید از بزرگ کردن استعداد فرزندشان خودداری کنند. ابراز همدردی و درک ما کودک را از هرگونه نصیحت و قدردانی و راه‌حل‌های فوری بیشتر بی‌نیاز می‌کند.

یک روز در زندگی کودک :

تمدن باعث شده است تا پدر و مادرها مجبور شوند از لذت‌های کوچک خردسالان جلوگیری کنند. برای اینکه کودک به یک فرد اجتماعی تبدیل شود برخی از محدودیت‌ها لازم است. اما پدر و مادرها نباید زیاده از حد نقش پلیس اجتماع بازی کنند که باعث تنفر و ناراحتی کودک شود. یک بچه مدرسه‌ای را نباید هر روز مادرش از خواب بیدار کند.

بچه از مادری که او را از خواب شیرین بیرون می‌کشد احساس تنفر پیدا می‌کند. بچه‌هایی را که نمی‌توانند صبح به راحتی از خواب برخیزند و بلافاصله با نشاط و قیاق باشند نباید مسخره کرد. اکثر اوقات کودکان با آهسته کردن سرعت خود را با «زود باش» بزرگترها مبارزه می‌کنند. به ندرت باید به کودک گفت عجله کند به جای آن باید به او یک زمان بندی واقعی ارائه داد.

صبحانه موقع خوبی نیست برای اینکه ما به کودک مان درس فلسفه، اخلاق و یا ادب بدهیم. ولی صبحانه زمان خوبی است که کودک بفهمد خانه محیطی است شاد با غذاهای خوب و دلچسب. بهتر آنست که مسئله بستن بند کفش را با آموختن مسئولیت مرتبط نکنیم. یک جفت کفش راحت و بی بند بخریم بهتر است. لباس آنها نباید مانند لباس بزرگترها، فقط در اندازه کوچکتر باشد. آزادی کودک برای دویدن، پریدن، توپ بازی باید بر مرتب نگه داشتن لباسش ارجحیت داشته باشد.

ن باید کودک را با یک سری تذکر و اخطار روانه مدرسه کرد. بهتر است که هنگام بازگشت کودک از مدرسه مادر در خانه باشد و از او استقبال کند. اگر مادر نمی‌تواند هنگام ورود فرزندش در خانه باشد، نوشتن پیامی که در آن به کودک بگوید مادر کجا رفته است بسیار مفید است. اینگونه پیامها برای برقراری ارتباط صحیح بین والدین و فرزندان بسیار مفید است.

وقتی پدر از کار خود به منزل باز می‌گردد برای مدت کوتاهی به آرامش نیاز دارد. نباید با فوجی گله و شکایت و تقاضا به استقبال پدر رفت. اما میز شام موقع خوبی برای صحبت کردن است. اطفالی که هنوز به سن مدرسه نرسیده‌اند نیاز دارند هنگام خواب پدر یا مادر در کنار آنها باشند و با آنها صحبت کنند. کودک از اینکه زمانی اختصاصی با پدر و مادر داشته باشد لذت می‌برد. بعضی بچه‌های بزرگتر نیز دوست دارند که هنگام خواب پدر یا مادر بالای سر آنها باشد. باید به این خواسته آنها احترام گذاشت و آن را برآورده کرد.

این رشته سر دراز دارد و از این مقطع نیز با توجه به بضاعت وقتی که داریم به آرامی گذر نموده و به نوجوانان مان در مقطع راهنمایی نیز گوشه چشمی می‌اندازیم و به تعدادی از مهم ترین مسایل این دوره می‌پردازیم.

راهنمایی :

اکثر اولیاء در این مقطع از نوجوانان شان گلایه و شکایت داشته و اظهار می‌نمایند که در دوره ابتدایی بسیار مودب و حرف شنو بوده ولی اکنون پرخاش گر و غیرقابل کنترل شد به نحوی که روداری هم می‌کنند باید خدمت این عزیزان عرض کنم که باید توجه به این نکته را همیشه مد نظر داشته باشند که فرزندشان دیگر آن کودک چشم و گوش بسته و بله قربان گوی سابق نیست. برای پی بردن دقیق به این عرایض به قول "هراکلیوس" استناد نموده که اظهار نموده اند: "هیچ کس نمی‌تواند در طول زندگی خود دو بار در یک رودخانه شنا نماید" بدین معنی که نه آن شخص، شخص سابق است و نه آن آبی که در رودخانه جریان داشته همان آب سابق است، جسمی که به قول این فیلسوف هر آن در حال تغییر است را چگونه توقع دارید با گذشت این همه زمان طولانی و تغییر مقطع همان گونه ثابت بماند؟! باید به خاطر داشت که کودک سابق شما حال به نوجوانی تبدیل شده که تغییر نگرش شما در باره ی او یک ضرورت انکار ناپذیر است. در این دوره تفکر انتزاعی که قدرت تجزیه و تحلیل سخنان را در پی دارد در آنان به خوبی و به سرعت در حال رشد است و افکارش را تحت الشعاع قرارداده و از بعد فیزیکی نیز غدد درون ریز او شروع به فعالیت نموده و باعث تغییراتی در صدا و وضعیت جسمانیش می‌گردد که این تغییرات او را عصبی کرده و چه بسا وحشت زده نماید چون منشا و علت آن را نمی‌داند اینجاست که اولیاء آگاه، به تناسب جنسیت با اطلاعاتی که از طرق گوناگون کسب نموده اند آنان را از سر درگمی و بی هویتی نجات میدهند. برای همین است که "اریکسون" روان شناس شهیر این دوره را "هویت در برابر سردرگمی" نامیده است. بدین معنی که نوجوان با شناخت قبلی والدین خانه و مدرسه از تحولات این سنین و راهنمایی های آنان هویت خود را پیدا نموده و از سردرگمی نجات می‌یابد. در غیر این صورت دچار سردرگمی و روان رنجوری خواهند شد. برای رهایی آنان از دلهره هایی که بر اثر تغییرات جسمانی و روحی به جهت فعالیت غدد گرفتارش شده اند شرط اول قدم این است که باید آنقدر از پیش، زمینه دوستی با آنان فراهم شده باشد که به آسانی مسایل نوینی که با آن روبرو شده اند را به تناسب جنسیت (ترجیحا پسر با پدر و دختر با مادر) پیش از آن که به سبب شرم و حیای افراطی با دیگری که صلاحیت راهنمایی را نداشته مطرح نمایند با پدران و مادران خود در میان بگذارند. در این سنین به سبب تغییرات طوفانی که در جسم و روح فرزندانمان روی می‌دهد آنان حال کشتی های طوفان زده ای را دارند که تنها راه نجاتشان را در مهارت سکانداری ناخدایان مجرب و با حوصله که اولیاء خانه و مدرسه می‌باشند می‌بینند، چنان که اولیاء ناخدایان خوبی برای این

کشتی های طوفان زده نباشند آن وقت است که به سبب قصوراتشان در پیشگاه حضرت حق مورد مواخذه قرار گرفته و باید از آنان پرسید که : " ای ناخدا جواب خدا را چه می دهی !؟"

والدین بایستی بدانند، از پدیده های رایج این دوره عدم ثبات حال، سرکشی و ناسازگاری و آشفتگی و حساسیت بیش از اندازه است. لذا باید از برخوردهای تحکم آمیز، امر و نهی های لجاجت برانگیز و رفتارهای تحقیر کننده و تهدید کننده و ایجاد محدودیت پرهیز نمود و به جای آن با آنها از راه صمیمیت و رفاقت و هم فکری وارد شد .

این را به یاد داشته باشید که خود شما هم زمانی نوجوان بودید، پس بهترین راه برای شناخت احساسات آنها، دیدن دنیای آنها از دریچه چشم نوجوان است. دیده شده نوجوان در این دوره دچار نوعی سلختگی در انجام کارها می شود و دلیل آن احساس بلندتر بودن دست ها و پاهایشان است. لذا اهانت، تحقیر و به کار بردن الفاظ طعن آمیز و نیش دار، سرکوفت زدن، ضعف و شکست های آنها را به رخ کشیدن، سرزنش و زیاده روی در تذکر نتیجه ای جز جریحه دار شدن احساس و شخصیت نوجوان ندارد. بهترین راه برای کنترل و اصلاح نوجوان ایجاد محدودیت و تحکم و تهدید به تنبیه نیست. بلکه ایجاد مصونیت و ایجاد شناخت از طریق رشد دین باوری، ایمان، پایبندی به ارزش های خانوادگی است؛ ما هر قدر جوانان مان را محدود کنیم و برای جلوگیری از رفتارهای (از دید ما ناهنجار) تهدیدشان کنیم آنان گستاخ تر و جری تر می شوند و تمایل و کنجکاوی بیشتری برای انجام آن اعمال پیدا می کنند و سهل الوصول ترین راه از طریق دوستان و همسالان منحرف است. نوجوان واقعاً نمی داند چه چیزی در درون او اتفاق افتاده و تغییرات چنان سریع به وقوع می پیوندد که او را مشوش و نگران می کند و نوع برخورد بزرگترها و والدین تصمیم گیری را برای او دشوار می کند. هر نوع رفتار غیرمنطقی با نوجوان پیامدهای جبران ناپذیری خواهد داشت. در این زمان خانواده نقش اساسی در گرایش فرد به انحراف ایفا می کند برخوردهای نادرست، تبعیض، تهدید یکی از والدین یا هر دو، احتمال تمایل آنها را به رفتارهای منحرف و مجرمانه افزایش می دهد. ایجاد شرایط محیطی آرام در خانواده و پاسخ های مناسب به سوالات آنها و آگاه نمودن دختران و پسران از بلوغ و مسائل مربوط به آن زمینه را برای ایجاد انحراف کاهش می دهد. با نوجوان خود دوست باشید و برای این که بتوانید با او ارتباط برقرار کنید و این ارتباط را استحکام بخشید

نوجوان را به راحتی می توان با رفتارهای غیرمنطقی به انحراف کشید، مایوس نمود و سرخورده کرد. ولی در سازندگی راهی سخت در پیش است اما نتیجه ای خوشایند و دلپذیر در پی خواهد داشت.

ماهیت مشکلات نوجوانان :

مطالعات علمی نشان می دهد ، دوره نوجوانی دارای مشکلات بسیاری است که باید به شیوه ای رضایت بخش، هم برای نوجوان و هم برای گروه اجتماعی او حل و فصل شود. نوجوانی برای خود فرد نیز مشکل ساز است ، زیرا نوجوان با نقش جدید خود در زندگی، کاملاً سازگاری نیافته و در نتیجه اغلب سردرگم، نامطمئن مضطرب است. اختلال در تصویر بدنی، بحران هویت (خودشناسی) ، مشکل اجتماعی نشدن، مهمترین این مشکلات عبارتند از: مسئله روانی، ترس، نگرانی، خشم، عصبانیت، احساس حقارت، تعارض، اضطراب، دشواریهای تحصیلی و اعتیاد.

راه حل و توصیه ها :

- همان طور که برای هر مشکلی راه حل خاصی وجود دارد ، برای مشکلات نوجوانان نیز راه حلهای مختلفی وجود دارد. اگر خانواده ها به مقوله ی خود ارزشمندی یا عزت نفس نوجوانان بها دهند خیلی از مشکلات و اختلالات رفتاری فرزندان خود را حل کرده و در شکل گیری شخصیت آنها تأثیر می گذارند.
- ۱- در برخورد با نوجوانان ، ملایم و منطقی باشید.
 - ۲- هیچگاه نظرات خود را به نوجوانان ، تحمیل نکنید .
 - ۳- تجارب موفقیت آمیز نوجوانان را افزایش دهید .
 - ۴- نوجوانان خود را با الگوهای رفتاری مطلوب آشنا کنید .
 - ۵- نسبت به احساسات و عواطف نوجوانان خود بی تفاوت نباشید .
 - ۶- توجه داشته باشید که مشاجرات لفظی درخانه (میان پدر و مادر) ، در روحیه یا رفتار نوجوان منعکس می شود.
 - ۷- به بهانه ی گفتگو با نوجوانان ، اهداف خود را به آنها القا نکنیم .
 - ۸- تحمل نوجوان را برای مواجه شدن با ناکامی های اجتماعی افزایش دهید .
 - ۹- برای پرکردن اوقات فراغت نوجوانان ، اهمیت بسیاری قائل شوید .

مقطع متوسطه :

پدران و مادران ارجمند توجه داشته باشند که حاصل توجهات و تربیت ما نسبت به فرزندانمان در دوران قبل در این سنین متجلی می گردد. اینجاست که انسان بخودی خود به یاد فرمایش حضرت پروردگار افتاده که پس از خلقت و اتمام خلقت انسان فرمودند " فتبارک الله احسن الخالقین " و به خود به سبب این خلقت زیبا یعنی وجود انسان تبریک و احسنت گفتند. اینجاست که چنان که از فرزندانمان رضایت داریم باید شاکر حضرت حق بوده که این توفیق خدمت را به شما داده و در راه تربیت فرزند خویش اشتباه نکرده اید چرا که به قول معروف : " ندارد پدر هیچ بایسته تر..... ز فرزند شایسته، شایسته تر " و چنان که از جانب آنان احساس رضایت نمی نمایید باید به جای لب به شکوائیه کشودن و لعنت و نفرین به این و آن و زمانه کردن، برگشته و نظری به روند تربیتی خود انداخته تا ببینید که این مشکل حاصل کدام روش و مسلک شما بوده و ریشه این سهل انگاری کجاست. به همین دلیل است که قدما گفته اند : " از کوزه برون همان تراود که در اوست ". تا بحال ندیده و نشنیده ایم که کسی گندم کاشته و جو درویده باشد. این عدم رضایت علل مختلفی می تواند داشته باشد که به دو علت از علل آن می پردازیم یا این که به علت گرفتاری های شغلی و نتوانسته اید صمیمانه و دوستانه با فرزندان ارتباط برقرار نمایید ، (**بخصوص در دوران تلاطمات جسمانی و روحانی وی دوره راهنمایی ، در دوران بلوغ به تناسب جنسیت و وظایف اولیاء نسبت به همدیگر سنگین تر می گردد یعنی مادران از حس اعتماد و دوستی که قبلا در دختران خویش به وجود آورده اند مامن امنی برای ارائه ی کمک به دختران خود بوده و پدران نیز در رابطه با پسران این گونه باید باشند. در غیر این صورت چه بسا آنان با طرح مشکلات خود با افرادی بی صلاحیت دچار معضلاتی گردیده اند که بدین حال روز افتاده اند.**) و یا از نحوه برخورد مناسب در هر سن اطلاعات کاملی نداشته که در هر دو صورت باید بدون ضیق وقت بجای توییح دیگران به فکر جبران قاتی که تحت مافات افتاده و با کمک متخصصان امر با تجدید نظر و اصلاح رویه خود این کشتی توفان زده را به ساحل امن برسانند. بر اساس حدیث فوق الذکر فرزندان در این سنین نقش وزیران شما داشته و باید آموخته های آنان را در اوقاتی که تحت تعلیم شما و مدرسه و اجتماع حاصل نموده اند را اکنون با در نظر داشتن نقش مشورتی به منصفه ی ظهور رسانید. " زان ژاک روسو " عالم تعلیم و تربیت در مقدمه کتاب "امیل" (امیل نام کودکی تخیلی بود که روسو او را تربیت می کند و پس از انتشار این کتاب همه اعیان و اشراف و درباریان فرانسه از او می خواهند که فرزندانشان را این گونه که او نوشته تربیت نمایند و.....) **ملتسمانه از پدران و مادران می خواهد که ناکامی ها و آرزوهای خود را در فرزندان خویش جستجو نکنند.** اکثریت فرزندان که نه به سبب علایق و استعداد خود بلکه به سبب خواسته های پدران و مادران رشته ای را دنبال نموده اند آینده ی خوبی را تجربه نکرده و نمی کنند. می دانید علت این که از بین این همه پزشکان متخصص و یا سایر حرفه های دیگر مردم تنها در نوبت عده ای خاص نشستند و بقیه همکاران آنان از عدم مراجعه ی بیمار یا ارباب رجوع به آنان خود را باد زده و دچار روان رنجوری شده اند چیست ؟ وقتی به سراغ این افراد می روید و سفره ی دلشان را باز می کنند می بینید علیرغم این که درسین مدرسه دانش آموزان برجسته ای بوده اند ، بر خلاف میل خود برای جلب رضایت اولیاء قدم در این وادی نهاده و در نتیجه دچار سرگردانی شده اند. متأسفانه بسیاری از اولیاء از این مسئله غافلند که آن پزشکی که به ثروتی می رسد از ابتدا به ثروت فکر نکرده و از ابتدا عاشق شغلش بوده است و همین عشق باعث توجهات شدید او به بیمارانش و در نتیجه اشتها و ثروت او شده است. از طرفی دیگر بسیاری از همکاران همین آقای پزشک ممکن است در مطبشان آن رونقی که والدینشان برایشان پیش بینی کرده بود نداشته زیرا که آنان به سبب عدم علاقه ، توجه خاصی به بیمارانشان نداشته و این عدم میل و علاقه و در نتیجه عدم رسیدگی دقیق و دلسوزانه آنان باعث می گردد که نه تنها بیماران دیگر سراغشان را نگیرند بلکه به دیگران هم سفارش می کنند که به ان ها مراجعه نمایند حال از زاویه ی دیگر به یک استاد ادبیاتی که به دلیل عشق و علاقه و نه به دلیل مدرک گرایی این شغل را انتخاب نموده بنگرید ایشان نه تنها چیزی کم تر از آن پزشک عاشق و در نهایت ثروتمند نداشته بلکه رنج و مشقت های او را نیز نخواهد داشت زیرا آن گروه همه روزه شاهد درد و رنج انسان ها هستند ولی آن استاد ادبیات بر عکس هنگام ارائه ی خدمات سراسر لذت است. پس این دلیل نمی شود که به سبب وضعیت مالی خوب یک نفر در شغلی خاص که از ابتدا عاشق این شغل بوده و استعداد آن را داشته ما نیز فرزندانمان را که کمترین علاقه و استعداد در این رشته را ندارد را وادار کنیم تا آن شغل را

انتخاب نماید. در حالی که چنان که راهنما و حامی خوبی برای فرزندان مان در جهت استعداد و علایق آنان باشیم چه بسا در آینده آنان را از کسانی که مد نظر داشتیم موفق تر ببینیم. به یاد داشته باشید که موفقیت چهار رکن متوالی و اساسی دارد اول استعداد و علاقه دوم آموزش در راه علاقه و استعداد سوم کار در راستای آموزش چهارم پشتکار. دوران جوانی، دوران بحران غریزه‌هاست و بیشتر جوانان در برابر این نیروی ویرانگر، دچار لغزش و خطا می‌شوند. در این حال، به سعه صدر و هدایت بزرگ‌ترها نیاز دارند. برخورد ناسنجیده با جوان، به ویژه در عرصه اجتماعی، تأثیر منفی فراوانی در روحیه فرد دارد و گاهی او را به سرسختی و لجاجت وا می‌دارد و برای مدت طولانی، از میدان تربیت دور می‌سازد.

امام علی علیه‌السلام درباره شیوه برخورد با جوان خطاکار، روش‌های تربیتی راهگشایی را یادآور می‌شود. ایشان می‌فرماید: **از تکرار عتاب و سرزنش دوری کن؛ زیرا سبب واداشتن بر گناه می‌شود و ملامت را بی‌اثر می‌کند. هرگاه جوانی را بازخواست کردی، مقداری از گناهان او را نادیده بگیر تا مواخذه تو، او را به طغیان و لجاجت وادار نکند. زیاد عیبجو نباش و برای هر لغزشی، در پی ملامت و مواخذه نباش.**

برای هدایت جوانان، به کارگیری روش نرم‌خویی و مدارا بسیار کارساز است؛ زیرا آنان در پرتو این روش می‌توانند، از شکست‌های خود، پل موفقیت برای آینده‌شان بسازند. جوان عضوی از خانواده است و در مقام وزیر و معاون برای والدین به شمار می‌رود. شخصیت وزیرگونه جوان را نباید نادیده گرفت، بلکه با مشورت با جوان و نظرخواهی از او، باید به او ارزش داد و مسئولیت‌پذیری در زندگی آینده و اداره آن را به او آموزش داد. البته هرگز نباید در این باره زیاده‌روی کرد و اختیار خانواده را به طور کامل به او سپرد یا در امور خانواده و اجتماع از پیشنهادها و بدون دلیل موجه، پیروی کرد. این موضوع در ضعیف کردن شخصیت جوان یا سرکشی او تأثیر بسزایی دارد. این رویه برای جوانان نیز سازنده است، زیرا «فرصت کافی به فرزندان امکان می‌دهد که مشکلات خود را با والدین در میان گذارند، نظر و عقیده خود را آزادانه بیان کنند. انجام دادن این گونه امور، امنیت خاطر آنها را فراهم می‌آورد و رشد آنها را در زمینه‌های مختلف آسان می‌سازد. بدون شك، جوانان وقتی با افراد منحرف فکری یا اخلاقی همراه و هم‌نشین می‌شوند، خواسته یا ناخواسته از آنان تأثیر می‌پذیرند. بنابراین، بر پدران و متولیان تربیتی جامعه واجب است که همواره در راه حفظ سلامت شخصیت آنان بکوشند و هشیار باشند. دوستان ناباب، بیشترین تأثیر را در انحراف فکری و اخلاقی فرزندان دارند. محیط نیرومند اجتماع قادر است، به آسانی جوان را همرنگ خود سازد و خلق و منش خانوادگی او را که هماهنگ با روش‌های اجتماعی نیست، به دست فراموشی بسپارد. از این رو، اولیا و مربیان باید در محیط تحصیل و کار، نظارت و راهنمایی خود را از آنان دریغ ندارند و آنان را در محیط‌های تازه رها نسازند. از یاد نبریم که شخصیت جوان در این دوران، در حال شکل‌گیری است. در واقع یکی از موثرترین راه‌ها برای آموختن رفتار

درست به فرزندان، تشویق آنها هنگامی است که مطابق نظر شما حرف می زنند یا عمل می کنند. نوجوانان هنگام عصبانیت احساس می کنند که حقشان ضایع شده و والدین نسبت به آنها بی تفاوت بوده اند، در این شرایط حتی پرخاشگری می کنند، اما والدین نباید این حرفها را به دل بگیرند و اصولاً رد شدن از کنار این رفتارها بهترین واکنش است. البته در هنگام تلاش فرزندان برای رسیدن به استقلال در این سنین، آنها با محدودیت هایی در توانایی خود برای انجام بخشی از کارها روبه رو شده و در نتیجه دچار نوعی تضاد و تناقض می شوند که این مساله نیز به نوبه خود نوجوانان را دچار اضطراب می کند. از این رو بهترین راهکار در این شرایط درگیر نشدن با آنها و ساده گذشتن از کنار مسائل است. رسول گرامی (ص) با به کار بردن کلمه «وزیر» در مورد جوانان که به معنای یاری، کمک فکری، و همکاری در تدبیر و مصلحت اندیشی است از طرفی تشخیص طلبی و استقلال جویی جوانان را مورد توجه قرار داده است و او را در کشور کوچک خانواده مسنول شناخته است. و از سوی دیگر به پدران و مادران فهمانده است که با جوانان امروز مانند بچه دیروز رفتار نکنید و با او آمرانه سخن نگویند و با تندی و خشونت شخصیت او را تحقیر ننمایید. بچه دیروز کودک و مطیع شما بوده است و جوان امروز وزیر و مشاور شماست. و نیز آن حضرت در اشاره به شیوه رفتار مناسب با جوان به سخن گفتن متناسب با عقل و درک جوان اشاره می کند و می فرماید: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» ما پیامبران مأمور شده ایم که با مردم به اندازه عقول و فهم خودشان سخن بگوئیم. قرآن کریم نیز سه روش را برای هدایت انسان ذکر می کند: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵) (ای محمد، مردم را با دلیل و برهان و بیان شیرین به راه خدای خود دعوت کن و با آنها با بهترین زبان و با رعایت ادب مناظره و مباحثه کن و از گمراهی و مقاومت آنها متأثر مباش...» در این آیه شریفه سه روش برای هدایت انسان ذکر شده است که والدین و مربیان می توانند با الگو قرار دادن آن برای خود، قدمی مؤثر در راه تربیت نسل جوان بردارند. این سه روش که در واقع مراحل تربیت انسان نیز به شمار می روند عبارتند از: ۱- برخورد توأم با حکمت ۲- برخورد با رأفت و موعظه حسنه ۳- برخورد به صورت بحث و سؤال و جواب نیکو و منطقی با آنان. اساساً شیوه رفتار با نسل جوان باید منطقی، بر اساس واقع بینی، و به دور از هر نوع افراط و تفریط باشد، تا نه موجب سرخوردگی جوان گردد و نه منجر به غرور و خود فریبی او شود. در درجه اول باید روی نکات مثبت رفتاری جوان انگشت گذاشت و با دادن شخصیت و کرامت در دل او وارد شد و سپس به سؤالات او پاسخ درست داد تا امکان نفوذ و هدایت او فراهم گردد. اصولاً نحوه برخورد با جوانان و هدایت آنان به راه نیک کار آسانی نیست و نکته های بسیار ظریفی در آن است که انجام آنها، آگاهی و هنر می خواهد. والدین در راهنمایی جوان باید از در ملایمت و مدارا وارد شوند و رفتارشان مانند یک دوست دلسوز و گفتارشان مانند یک مشاور دانا باشد تا بتوانند با تجارب خود، مشکلات آنان را حل کنند و در کارشان چاره جویی نمایند. به بیان دیگر اگر والدین بخواهند در جوانان نفوذ کنند، آزموده های خود را به آنان منتقل نمایند، باید همواره خصوصیات شخصیت جوان را مورد توجه قرار دهند، آمرانه سخن نگویند، از تندی و خشونت بپرهیزند، و اگر در مواردی والدین بر اثر زشت کاری و نادرستی جوان، بر افروخته و خشمگین شدند و زبان به اعتراض گشودند توجه داشته باشند که در تندگویی زیاده روی نکنند و از حد مصلحت تجاوز نمایند.

در پایان این بحث، برای بار دیگر اهم شیوه‌های رفتاری مربیان و والدین با نسل جوان را مرور می‌کنیم:

- ۱- والدین ضمن هم صحبت شدن با فرزند جوان خود و مذاکره با آنها با کمال رأفت و مهربانی از کلمات موهن و گفتار زشت در برخورد با جوانان استغاده نمایند. ۲- والدین باید همیشه در تفهیم مطالب و بیان مسائل به جوانان، با دلیل و برهان وارد عمل شوند. ۳- والدین نایبستی با جوان امروز مانند کودک دوبروز رفتار نمایند. ۴- والدین نایبستی با اهمیت دادن به نظرات و بینش جوان، او را مورد تکریم قرار داده و به شخصیت آنها احترام بگذارند. ۵- والدین نایبستی افعال جوانان را با افعال دیگران مقایسه کرده و او را در پیش دیگران خجل سازند. - والدین نایبستی به تمام خواسته‌ها و تمایلات جوان از قبیل احترام، امنیت خاطر، آرامش روان، آزادی و... آگاهی یافته و آنها را رفع نمایند. ۷- والدین با درک روان و منطق جوان، در درجه اول روی نکات مثبت جوان تأکید کنند و هیچ وقت نایبستی عیب‌های کوچک او را بزرگ جلوه دهند. ۸- والدین باید در راهنمایی فرزند خود با ملایمت و مدارا عمل کنند و در رفتار مانند یک دوست و در گفتار مانند یک مشاور دانا باشند. ۹- والدین باید در وهله نخست خودشان واجد صفاتی از قبیل پرهیزکاری، اخلاق نیک و... باشند و سپس فرزندانشان را به داشتن آن صفات ترغیب نمایند. ۱۰- ایجاد محیط گرم در خانواده و رفتار نیکو با جوان از سوی والدین الزامی است.

از سقراط پرسیدند چرا بیشتر با جوانان مجالست و هم نشینی می‌کند؟ پاسخ داد که شاخه های نازک و تر را می‌توان راست کرد ولی چوب های سخت که طراوت آنها رفته باشد به استقامت و راستی نگراید. بخاطر داشته باشید که :

" غم و شادمانی نمائد ولیک جزای عمل ماند و نام نیک "

امید است که در پرتو الطاف لایزال حضرت حق در همه ی شئونات زندگی در جهت عزت و سربلندی و تکریم هموعان خود موفق و موید باشید.

"خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار"

با تشکر و دعای خیر

روحانی

واحد مشاوره مجتمع توحید پسران دبی

دی ماه ۱۳۹۰

